



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق یقیناً

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

واقعیت و آرمان در قیام عاشورا از دیدگاه امام خمینی (ره)

خسرو وفایی سعدی

مجموعه آثار



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

واقعیت و آرمان در قیام عاشورا از دیدگاه امام خمینی

نویسنده:

خسرو وفایی سعدی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	واقعیت و آرمان در قیام عاشورا از دیدگاه امام خمینی(س)
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۹	واقعیهایی نوع ۱
۹	اشاره
۱۰	محدودیت نیروی انسانی
۱۱	امکانات محدود
۱۱	کشته شدن
۱۲	اسارت خانواده
۱۲	شکست ظاهری
۱۲	واقعیهایی نوع ۲
۱۲	اشاره
۱۲	فساد حکومتی
۱۴	رواج منکر در جامعه
۱۴	ظلم و جور حکومت
۱۴	وارونه جلوه دادن حکومت اسلام
۱۴	سلطنت طلبی و طاغوتی بودن حکومت
۱۶	حیف و میل اموال مردم
۱۶	آرمانها
۱۶	اشاره
۱۷	عدالتخواهی
۱۷	احیای اسلام
۱۷	اشاره

۱۸ اصلاح جامعه

۱۹ طاغوت ستیزی

۲۰ احقاق حق

۲۰ نتیجه گیری

۲۳ پاورقی

۲۷ درباره مرکز

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: وفایی سعدی، خسرو

عنوان و شرح مسئولیت: واقعیت و آرمان در قیام عاشورا از دیدگاه امام خمینی (س) [منبع الکترونیکی] / خسرو وفایی سعدی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۵ بایگانی: ۴۵.۳KB)

موضوع: واقعیت

آرمان گرایی

خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

در جهان امروز که از یک سو، پیشرفتهای علمی و تکنیکی، تحولات عظیمی به وجود آورده و از سوی دیگر در جهت دین زدایی - بویژه پس از رنسانس علمی اروپا - تلاشهای گسترده و حساب شده ای صورت گرفته است، به میدان آمدن «آرمانها» آنچنان مشکل می نماید که اگر امدادهای غیبی را نادیده بگیریم، امری بسیار مشکل به نظر می رسد. جهان امروز که عصر اتم و فضا و کامپیوتر و... خوانده می شود، تکامل انسان را مترادف با رشد ابزار تفسیر می کند؛ هدف از خلقت انسانها را به فراموشی سپرده است و بزرگترین «آرمان» فرستادگان خداوند یعنی توحید را تحت الشعاع علم و تکنیک و توسعه و... قرار می دهد. در مقابل، دوری از معنویات و آرمانهای دینی و اخلاقی موجب شده، تا انسانهای آرمانگر نسبت به این مشکل عمده جوامع بشری واکنش نشان دهند و در صدد احیای ارزشهای الهی و انسانی برآیند و در قبال مظلومیت و محکومیت «آرمانها»ی دینی در مقابل «واقعیتها»ی، اجتماعی مقاومت نشان دهند و با فداکاری و تحمل سختیها، نور هدایت فرستادگان خداوند را روشن نگهدارند. توحید، بزرگترین و اصلی ترین «آرمان» در رسالت انبیای الهی بوده است و آن نخبگان عالم هستی همواره با دو «واقعیت» کشته شدن و تکذیب شدن مسیر توحیدی را پیموده اند. همچنین با نظری اجمالی در سیره اولیای الهی

و امامان معصوم - علیهم السلام - آشکارا در می یابیم که ائمه هدی نیز اهداف و سرنوشتشان همانند پیامبران عظام بوده است. توحید بزرگترین «آرمان» برای آنها بوده و همگی در معرض واقعیت کشته شدن یا تکذیب شدن بوده اند. از جمله آن بزرگواران، حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) است که «واقعیت» کشته شدن در راه «آرمانهای» توحیدی خویش را در نهایت عشق و اخلاص پذیرا شد و با قیام خویش همه تشنگان توحید را تا آخر هستی سیراب نمود. نحوه عملکرد حضرت امام حسین (ع) و یاران باوفای ایشان در واقعه عاشورا که قدیسان عالم ملکوت را به تحیر نگاه داشت، خمیر مایه ای برای پیروان راستین آن امام (ع) در عرصه مقابله حق و باطل در طول تاریخ شد و موجب گشت تا قیامهای اسلامی پس از آن حضرت از آن کانون عدالتخواهانه و حق طلبانه برای همیشه تغذیه گردند. جایگاه «واقعیت» و «آرمان» در قیام عاشورا از دیدگاه حضرت امام خمینی (س) چیزی است که این نوشته سعی در بررسی آن دارد و می کوشد تا عمده مطالب را از اندیشه های تابناک امام عزیز (س) برگیرد و ارائه نماید. با توجه به معانی مختلفی که دو مفهوم «واقعیت» و «آرمان» در حوزه های گوناگون علمی دارند، ضرورت دارد این دو واژه تعریف شوند. منظور از «واقعیتها» مجموعه «هست»ها و آنچه وجود دارد و مراد از «آرمانها» مجموعه «باید»هاست و آنچه باید به وجود آید. در این نوشته «واقعیت»های قیام عاشورا به دو مقوله مجزا تحت عنوان «واقعیتهای نوع اول» و «واقعیتهای نوع دوم» تقسیم شده است؛ چون این دو نوع تفاوت ماهوی دارند. واقعیتهایی مانند کشته شدن امام حسین (ع) و شکست ظاهری

امام جزو «واقعتهای نوع اول» است و واقعتهایی نظیر فساد حکومتی یزید، رواج منکر در جامعه، ظلم و ستم حکومتی و وارونه جلوه دادن چهره دین توسط حکومت بنی امیه جزو «واقعتهای نوع دوم» قرار می گیرد. مراد از «آرمان»ها ارزشها، باورها و سنتهای دینی است که در جریان نهضت عاشورا انگیزه قیام بودند، و مهمترین آنها عبارتند از: احیای دین، عدالت طلبی، عزت طلبی، اصلاح جامعه و طاغوت ستیزی. با این توضیح کوتاه باید بررسی شود که امام حسین (ع) در مقابل این نوع واقعتهای چگونه موضعگیری کردند؟ آیا آرمانها فدای واقعتهای شدند یا برعکس؟ واقعتهای در اولویت قرار گرفتند یا آرمانها؟ چه نقشی در قیام عاشورا ایفا کردند؟ با توجه به تفکیکی که این نوشته در مورد واقعتهای نوع اول و دوم قایل شده، میزان اثر گذاری این دو در ارتباط با آرمانها تا چه اندازه ای بوده است؟ و بالاخره اینکه در میدان انتخاب، حضرت ابی عبدالله (ع) در مقابل واقعتهای تسلیم شد یا...؟ از آنجا که پاسخ به این پرسشها با بیان دیدگاههای حضرت امام خمینی (ره) در مورد قیام عاشورا روشن می شود، موضوع را با بررسی این دیدگاهها پی می گیریم:

واقعتهای نوع ۱

اشاره

این نوع واقعتهای به گونه ای هستند که ممکن است در نگاه اول برای انسانهای صرفا واقع گرا همچون کوه موانع حرکت ارزیابی شوند، اما در دیدگاه یک انسان آرمان گرا اینگونه واقعتهای مانع حرکت به سوی اهداف نیست، البته این بدان معنا نیست که یک انسان آرمان گرا نسبت به واقعتهای بی توجه است، بلکه آرمانها را فوق واقعتهای می بیند و در نتیجه برای او نمی تواند به عنوان مانع مطرح باشد. واقعتهای نوع اول برخلاف نوع دوم که به یزید و یزیدیان برمی گردد،

به امام حسین (ع) و یاران باوفای او مربوط می شود و آنها را در معرض آزمایش و انتخاب دشواری قرار می دهد. تاریخ گواهی می دهد که ستمگران و مستکبران برای تحت فشار گذاشتن عدالتخواهان تلاش زیادی داشته اند که مشکلاتی از قبیل این واقعات را بر سر راه آنها قرار دهند، تا به سازش و تسلیم و بیعت وادارند. و چه بسیار مبارزان و انقلابیونی که تحت تأثیر فشارها و مشکلات اینچینی، ناگزیر به رها کردن آرمانهای خویش شده اند. شیوه مستکبران این است که این دسته از واقعات را بزرگ جلوه دهند و از گاه کوه بسازند، تا آرمانخواهان با محاسبه توان خویش متزلزل شوند و در نهایت تن به سازش دهند. اما در قاموس حضرت ابی عبدالله (ع) هیچ واقعتی توان مقابله با آرمانهای مقدس را ندارد. فرهنگ مبارزاتی و آرمانخواهانه سیدالشهدا (ع) به گونه ای است که عظمت اینگونه واقعات را به تحقیر، و تلخی آنها را به شیرینی، و دشواری آنها را به آسانی مبدل می کند. در قیام عاشورا نیز این واقعات نتوانست سد راه امام حسین (ع) و یاران او شود و ذلت را بر آنها تحمیل کند، زیرا فریاد «هیئات منا الذله» پاسخی به این واقعات بود.

محدودیت نیروی انسانی

«او سیدالشهدا - سلام الله علیه - تکلیف می دید برای خودش که باید او با این قدرت مقاومت کند و کشته بشود تا به هم بخورد این اوضاع، تا رسوا نکند این قدرت را با فداکاری خودش و این عده ای که همراه خودش بود... در عین حالی که حسب قواعد معلوم بود که یک عدد اینقدری نمی تواند با آن عده ای که آنها دارند مقابله کند... [۱]. «آنچه که سیدالشهداء عمل کرد و آن ایده ای

که او داشت و آن راهی که او رفت و آن پیروزی که بعد از شهادت برای او حاصل شد، به مردم روشن کنند و بفهمانند به همه که مسئله مجاهده در راه اسلام آن است که او کرد. می دانست که با یک عده قلیل کمتر از صد نفر نمی شود مقابله با یک همچو ظالمی دارای همه چیز کرد.» [۲]. «امام حسین (ع) نیروی چندانی نداشت و قیام کرد.» [۳]. «تکلیف ماها را حضرت سیدالشهدا معلوم کرده است، در میدان جنگ از قلت عدد نترسید.» [۴]. «حضرت سیدالشهدا تعلیم کرد که در میدان وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان چه جور باشد و باید آنهایی که در پشت جبهه هستند چطور تبلیغ بکنند. کیفیت مبارزه را، کیفیت اینکه مبارزه بین یک جمعیت کم با جمعیت زیاد باید چطور باشد.» [۵].

امکانات محدود

«باید توجه به این معنا بکنید که ما هم همانطوری که سیدالشهدا در مقابل آن همه جمعیت و آن همه اسلحه ای که آنها داشتند قیام کرد تا شهید شد، ما هم همینطور، ما هم برای شهادت حاضریم.» [۶]. «ایشان در یک وقتی این مطلب را فرموده اند که وقتی قیام کرده اند و نهضت کرده اند در مقابل یزید، این سلطان جائر، با یک عدد کمی در مقابل یک عده کثیری و در مقابل ابرقدرت که در آن وقت همه مواضع قدرت دستش بوده است، که عذر را از ما ساقط کند.» [۷].

کشته شدن

«حضرت سیدالشهدا قیام کردند برضد یزید و شاید همانطور هم بود که خوب، اطمینان به این بود که موفق به اینکه یزید را از سلطنت بیندازند نشدند. این اخبار مهم اینطور است که ایشان مطلع بودند بر این مطلب. در عین حال برای همین معنی که برضد یک رژیم ظالم قیام کنند ولو اینکه کشته بشوند، قیام کردند و کشته دادند و کشتند و خودشان هم کشته شدند.» [۸]. «و سیدالشهدا - سلام الله علیه - تکلیف می دید برای خودش که باید او با این قدرت مقاومت کند و کشته بشود.» [۹]. «تکلیف بود آنجا که باید قیام بکند و خونس را بدهد تا اینکه این ملت را اصلاح کند، تا اینکه این علم یزید را بخواباند و همینطور هم کرد و تمام شد. خونس را داد و خون پسرهایش را داد و اولادش را داد و همه چیزهای خودش را داد برای اسلام.» [۱۰]. «حضرت سیدالشهدا را کشتند، اما اطاعت خدا بود، برای خدا بود.» [۱۱]. «امام حسین - سلام الله علیه -

به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد. با اینکه از اول می دانست که در این راه که می رود راهی است که باید همه اصحاب خودش و خانواده خودش را فدا کند.» [۱۲].

اسارت خانواده

«شما پیرو پیشوایانی هستید که در برابر مصایب و فجایع صبر و استقامت کردند که آنچه ما امروز می بینیم نسبت به آن چیزی نیست. پیشوایان بزرگوار ما، حوادثی چون روز عاشورا و شب یازدهم محرم را پشت سر گذاشته اند و در راه خدا یک چنان مصیبتی را تحمل کرده اند.» [۱۳]. «حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزندان عالیقدر او هم فهماند که بعد از اینکه آن مصیبت واقع شد چه باید کرد، باید تسلیم شد؟ باید تخفیف در مجاهده قایل شد؟ باید همانطوری که زینب - سلام الله علیها - در دنباله آن مصیبت بزرگی که «تصغر عنده المصائب» استاد و در مقابل کفر و در مقابل زندقه صحبت کرد و هر جا موقع شد، مطلب را بیان کرد و حضرت علی بن الحسین - سلام الله علیه - با آن حال نگاهت، آنطوری که شایسته است، تبلیغ کرد.» [۱۴].

شکست ظاهری

«اولیای خدا هم شکست می خورند. حضرت امیر در جنگ معاویه شکست خورد. اینکه حرف ندارد، شکست خورد. امام حسین - سلام الله - هم در جنگ با یزید شکست خورد و کشته شد، اما به حسب واقع پیروز شدند آنها، شکست ظاهری و پیروز واقعی.» [۱۵].

واقعتهای نوع ۲

اشاره

این نوع واقعتهای برای انسانهای صرفاً واقع گرا قابل چشم پوشی هستند. اما انسانهای «آرمانیخواه» به سادگی نمی توانند از کنار آنها که ذاتاً در تضاد و تعارض با ارزشها و آرمانهای آنهاست بگذرند. واقعتهای نوع دوم برخلاف نوع اول که به امام حسین (ع) و یاران او برمی گردد، به یزید و حکومت بنی امیه مربوط می شود و همین واقعتهای ضد دینی، آنها را در معرض رویارویی با آرمانخواهان قرار می دهد. همیشه واقعتهای نوع دوم می تواند به عنوان اهرمی وسیله ای در دست آرمانخواهان قرار گیرد، تا از این نقاط ضعف به عنوان اهرمی برای به حرکت در آوردن آرمانخواهان بهره برداری کنند و در جهت آرمانی و ارزشی استفاده مطلوب نمایند. شیوه مستکبران این است که این دسته از واقعتهای را کوچک و کم اهمیت جلوه دهند و به کمک تبلیغات کوه را تبدیل به کاه کنند، تا آنجا که گویی اصلاً چنین واقعتهایی وجود ندارد! اما امام حسین و یاران او در قیام عاشورا نشان دادند که نمی توانند شاهد ساکتی در مقابل این واقعتهای باشند.

فساد حکومتی

«سلطنت بود، شب خمر بود، قمار بود در مجالسشان. خلیفه رسول الله و در مجلسشرب خمر! و در مجلس قمار! و باز خلیفه رسول الله نماز هم می رود، جماعت می خوانند. این خطر از برای اسلام خطر بزرگ بود. این خطر را سیدالشهدا رفع کرد.»

[۱۶]. «محرم ماهی است که به وسیله سید مجاهدین و مظلومان اسلام زنده شده و از توطئه عناصر فاسد و رژیم بنی امیه که اسلام را تالاب پرتگاه برده بودند رهایی بخشید.» [۱۷]. «سیدالشهدا - سلام الله علیه - بانثار خون خودشان آن رژیم را، رژیم فاسد را شکست داد و خود مقتول

رواج منکر در جامعه

سیدالشهدا - سلام الله علیه - از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه شان اقامه عدل بود. فرمودند که می بینید که معروف عمل بهش نمی شود و منکر بهش عمل می شود. انگیزه این است که معروف را اقامه و منکر را از بین ببرد. انحرافات همه از منکر است، جز حق مستقیم توحید هر چه هست منکرات است، اینها باید از بین برود و ما که تابع حضرت سیدالشهدا هستیم، باید ببینیم که ایشان چه وضعی در زندگی داشت، قیامش، انگیزه اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود.» [۱۹]. «سیدالشهدا - سلام الله علیه - که همه عمرش و همه زندگیش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت ظلم و جلوگیری از مفاسدی که حکومتها در دنیا ایجاد کردند، تمام عمرش را صرف این کرد و تمام زندگیش را صرف این کرد که این حکومت، حکومت جور بسته بشود و از بین برود، معروف در کار باشد، منکرات از بین بروند.» [۲۰].

ظلم و جور حکومت

«حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد.» [۲۱]. «سیدالشهدا سلام الله علیه - وقتی می بیند که یک حاکم ظالمی، جائری در بین مردم حکومت می کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند.» [۲۲].

وارونه جلوه دادن حکومت اسلام

«حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - دیدند که معاویه و پسرش - خداوند لعنتشان کند - اینها دارند مکتب را از بین می برند، دارند وارونه اسلام را جلوه می دهند، اسلامی که آمده است برای اینکه انسان درست کند، نیامده است قدرت برای خودش درست کند، آمده است انسان درست کند.» [۲۳]. «خطری که معاویه و یزید بر اسلام داشتند، این نبود که غضب خلافت کردند، این یک خطر کمتر از آن بود، خطری که اینها داشتند، این بود که اسلام را به صورت سلطنت درمی خواستند بیاورند، می خواستند معنویت را به صورت طاغوت در آورند، به اسم اینکه ما خلیفه رسول الله هستیم اسلام را منقلب کنند به یک رژیم طاغوتی. این مهم بود. آنقدری که این دو نفر ضرر به اسلام می خواستند بزنند یا زدند، جلوتریها آنطور نزدند. اینها اصل اساس اسلام را وارونه می خواستند بکنند.» [۲۴]. «اگر فداکاری پاسداران عظیم الشأن اسلام و شهادت جوانمردانه پاسداران و اصحاب فداکار او نبود، اسلام در خفقان رژیم بنی امیه و رژیم ظالمانه آن وارونه معرفی می شد و زحمات نبی اکرم (ص) و اصحاب فداکارش به هدر می رفت.» [۲۵].

سلطنت طلبی و طاغوتی بودن حکومت

«رژیم منحط بنی امیه می رفت تا اسلام را رژیم طاغوتی و بنیانگذار اسلام را برخلاف آنچه بوده معرفی کند.» [۲۶]. «سلطنت و ولایتعهدی همان طرز حکومت شوم و باطلی است که حضرت سیدالشهدا (ع) برای جلوگیری از برقراری آن قیام فرمود و شهید شد. برای اینکه زیر بار ولایتعهدی یزید نرود و سلطنت او را به رسمیت نشناسد قیام فرمود.» [۲۷]. «خطری که معاویه و

یزید براسلام داشتند، این نبود که غضب خلافت کردند، این یک خطر کمتر از آن بود. خطری

که اینها داشتند این بود که اسلام را به صورت سلطنت درمی خواستند بیاورند، می خواستند معنویت را به صورت طاغوت در آورند، به اسم اینکه ما خلیفه رسول الله هستیم، اسلام را منقلب کنند به یک رژیم طاغوتی.» [۲۸].

حیف و میل اموال مردم

«یزید هم یک قدرتمند بود و یک سلطان بود و - عرض می کنم که - همه بساط سلطنت را یزید داشت، بعد از معاویه او بود دیگر، حضرت سیدالشهدا به چه جهت با سلطان عصرش طرف شد؟ با ظل الله طرف شد؟ (سلطان را نباید دست زد) به چه جهت با سلطان عصرش طرف شد؟ سلطان عصری که شهادتین را می داد و می گفت که من خلیفه پیغمبر هستم. برای اینکه یک آدم قاچاق بود، برای اینکه یک آدمی بود که می خواست این ملت را اسلیمار کند، می خواست بخورد و اتباعش بخورند.» [۲۹]. «یزید یک آدمی بود که به حسب ظاهر متشبه به اسلام بود و خودش را خلیفه پیغمبر حساب می کرد و نماز هم می خواند، همه این کارهایی که ماها می کنیم آن هم می کرد، اما چه می کرد؟ اما از آن طرف معصیت کار بود، مخالف سنت رسول الله می کرد. رسول الله سنتش این است که باید با مردم چه جور عمل بکنند، او خلافش عمل می کرد، باید حفظ دماء شود. دماء مسلمین را می ریخت، باید مال مسلمین هدر نرود، او هدر می داد مال مسلمین را.» [۳۰].

آرمانها

اشاره

شاید بتوان ادعا کرد که هیچ انقلابی بدون در نظر داشتن «آرمان» شکل نمی گیرد و همه قیامها و انقلابها به نوعی وابسته به ارزشها و انگیزه های آرمانی است. استقلال، آزادی، دموکراسی و... آرمانهای بشری هستند که هر کدام در طول تاریخ انقلابها نقش ایفا کرده اند و انگیزه ساز حرکتها بوده اند. در قیام عاشورا نیز آرمانهایی وجود داشت که انگیزه آن انقلاب عظیم شد و عاشوراییان را در مقابل حکومت زمان به حرکت در آورد و مبارزه ای تمام عیار خلق کرد. این

عدالتخواهی

حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - به همه جهت آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد. [۳۱]. «در صدر اسلام پس از رحلت پیغمبر ختمی پایه گذار عدالت و آزادی، می رفت که با کج رویهای بنی امیه، اسلام در حلقوم ستمکاران فرورود و عدالت در زیر پای تبهکاران نابود شود که سیدالشهدا - نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود.» [۳۲]. «سیدالشهدا روی همین میزان آمد و رفت و خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد، که باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح بشود. «لیقوم الناس بالقسط» باید عدالت در بین مردم و در بین جامعه تحقق پیدا بکند.» [۳۳]. «سیدالشهدا - سلام الله علیه - وقتی می بیند که یک حاکم ظالمی، جائری در بین مردم دارد حکومت می کند، تصریح می کند حضرت که اگر کسی ببیند که حاکم جائری در بین مردم حکومت می کند، ظلم به مردم می کند باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند.» [۳۴].

احیای اسلام

اشاره

«خطری که معاویه و یزید بر اسلام داشتند، این نبود که غضب خلافت کردند، این یک خطر کمتر از آن بود. خطری که اینها داشتند این بود که اسلام را به صورت سلطنت در می خواستند بیاورند، می خواستند معنویت را به صورت طاغوت در آورند.» [۳۵]. «آنها (بنی امیه) می خواستند اصل اسلام را ببرند و یک مملکت عربی درست کنند و این کار (سیدالشهدا) اسباب این شد که عرب و عجم و همه مسلمین توجه پیدا کردند که نه، قضیه، قضیه ی عربیت و فارسیت و اینها نیست. قضیه ی خدا و اسلام است.» [۳۶]. «محرم ماهی است که به وسیله سید مجاهدان و مظلومان اسلام زنده شد

و از توطئه عناصر فاسد و رژیم بنی امیه که اسلام را تا لب پرتگاه برده بودند رهایی بخشید.» [۳۷]. «رژیم منحط بنی امیه می رفت تا اسلام را رژیم طاغوتی و بنیانگذار اسلام را برخلاف آنچه بوده معرفی کند، معاویه و فرزند ستمکارش به اسم خلیفه رسول الله با اسلام آن کرد که چنگیز با ایران، و اساس حکمت وحی را تبدیل به رژیم شیطانی نمود.» [۳۸]. «حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - دیدند که معاویه و پسرش (خداوند لعنتشان کند) اینها دارند مکتب را از بین می برند، دارند وارونه اسلام را جلوه می دهند، اسلامی که آمده است برای اینکه انسان درست کند، نیامده است قدرت برای خودش درست کند آمده است انسان درست کند.» [۳۹]. «سیدالشهدا هم کشته شد، نه اینکه رفتند یک ثوابی ببرند، ثواب برای او خیلی مطرح نبود، آنطور رفت که این مکتب را نجاتش بدهد، اسلام را پیشرفت بدهد، اسلام را زنده کند.» [۴۰]. «اسلام همچو عزیز است که فرزندان پیامبر جان خودشان را فدای اسلام کردند، حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - با آن جوانها، با آن اصحاب برای اسلام جنگیدند و جان دادند و اسلام را احیا کردند.» [۴۱]. «شهادت سید مظلومان و هواخواهان قرآن در عاشورا، سرآغاز زندگی جاوید اسلام و حیات ابدی قرآن کریم بود.» [۴۲]. «سیدالشهدا کشته شد مکتبش محفوظ بود، بلکه مکتب را زنده کرد، با این کشته شدن مکتب را زنده کرد.» [۴۳]. «شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد. خودش شهید، مکتب اسلام زنده شد و رژیم طاغوتی معاویه و پسرش را دفن کرد.» [۴۴].

اصلاح جامعه

«لکن (برای سیدالشهدا - سلام الله

علیه) تکلیف بود آنجا که باید قیام بکنند و خونس را بدهد تا اینکه این ملت را اصلاح کند.» [۴۵]. «تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده اند، تمام و همه آنها این مسئله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هرچه بزرگ باشد، بالاترین فرد که ارزشش بیشتر از هر چیز است در دنیا، وقتی که با مصالح جامعه، معارضه کرد، این فرد باید فدا بشود. سیدالشهدا روی همین میزان آمد و رفت خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد، که فرد باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح بشود.» [۴۶].

طاغوت ستیزی

«محرم چه ماه مصیبت زا و چه ماه سازنده و کوبنده ای است. محرم ماه نهضت بزرگ سیدالشهدا و سرور اولیای خداست که با قیام خود در مقابل طاغوت، تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد.» [۴۷]. «خطبای ما زنده نگه داشتند قضیه کربلا را و زنده نگه داشتند قضیه مقابله یک دسته (یک دسته کوچک با ایمان بزرگ) [را] در مقابل یک رژیم طاغوتی بزرگ.» [۴۸]. «خطری که معاویه و یزید بر اسلام داشتند، این نبود که غضب خلافت کردند، این یک خطر کمتر از آن بود. خطری که اینها داشتند، این بود که اسلام را به صورت سلطنت در می خواستند بیاورند، می خواستند معنویت را به صورت طاغوت در آورند.» [۴۹]. «شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد. خودش شهید، مکتب اسلام زنده و رژیم طاغوتی معاویه و پسرش را دفن کرد.» [۵۰]. «اگر سیدالشهدا نبود، این رژیم طاغوتی را اینها تقویت می کردند، به جاهلیت برمی گرداندند. اگر حالا من و تو هم مسلم بودیم مسلم طاغوتی بودیم، نه مسلم امام حسینی.» [۵۱]. «قیام سیدالشهدا

- سلام الله عليه - قیام برضد سلطنت طاغوتی بود، آن سلطنت که اسلام را می خواست به آن رنگ در آورد که اگر توفیق پیدا می کردند، اسلام یک چیز دیگر می شد، اسلام می شد مثل رژیم دو هزار و پانصد ساله سلطنت.» [۵۲].

احقاق حق

«محرم ماهی است که عدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل باطل قیام کرده و به اثبات رسانده است که در طول تاریخ، همیشه حق بر باطل پیروز شده است.» [۵۳]. «ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد، ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطله بر جبهه ستمکاران و حکومت‌های شیطانی زد، ماهی که به نسلها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت، ماهی که شکست ابرقدرتها را در مقابل کلمه حق به اثبات رساند.» [۵۴].

نتیجه گیری

پس از معرفی دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (س)، چند نکته را می توان به عنوان نتیجه بحث مورد توجه قرار داد:- گرچه واقعگرایی از ارزش اعتباری برخوردار است، اما تنظیم رفتار و اعمال براساس واقعیت همیشه نمی تواند امری با ارزش تلقی گردد و ممکن است در بسیاری از موارد و مصادیق تسلیم شدن در مقابل واقعیت، ضد ارزش ارزیابی شود. در یک نظام دینی که مبتنی بر ارزشهای اسلامی است، واقعگرایی آنگاه ارزشمند است که در مقابل آرمانخواهی قرار نگیرد.- ترویج تر واقعگرایی به عنوان یک ارزش مطلق، همواره عاملی برای مرعوب شدن سلطه پذیران بوده و موجب شده که رفتار سیاسی آنها با سلطه گران براساس برآورد امکانات مادی آنها در مقایسه با امکانات مادی سلطه گران تنظیم گردد. این موضوع همواره یکی از ابزارهای سلطه استکبار بر استضعاف بوده و هدف آنها از ترویج چنین سیاستی، گرفتن روحیه مبارزاتی و استقلال طلبانه آرمانگرایان بوده و هست. بسیاری از سلطه گران و مرعوبین سعی در واحد جلوه دادن «واقع بینی» و «واقعگرایی» دارند، اما بین این

دو تفاوت اساسی وجود دارد و امامان معصوم -علیهم السلام- همواره واقع بین بوده اند، اما واقعگرایی را در چارچوب مکتب و آرمانها مورد توجه قرار داده اند و در صورتی که این امر تعارضی با آرمانگرایی نداشته است، حتما مورد عنایت و قبول واقع شده است. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، گزینشی بودن واقعیتها در نظر سلطه گران و سلطه پذیران است، به این معنا که اگر واقعیتها موجب سلطه گری و سلطه پذیری بشود، (واقعیات نوع اول) گزینش شده و بر آنها تاکید می شود، اما واقعیتهایی که موجب نفی سلطه گری و سلطه پذیری است (واقعیات نوع دوم) بی اهمیت جلوه داده می شود و تمایلی برای مشاهده و معرفی آن واقعیتها در آنها دیده نمی شود. در نظر اولیای الهی همچون حضرت سیدالشهدا (ع) و پیروان آنها، واقعیتها و آرمانها کنار یکدیگر مورد توجه قرار می گیرند. در واقعه کربلا این دو مقوله در مقابل هم قرار گرفتند و تشخیص پیشوای زمان حضرت ابی عبدالله (ع) این بود که تسلیم شدن در مقابل واقعیتها به معنی از بین رفتن آرمانهای مقدس مکتب اسلام است. آن حضرت اجازه نمی دهند یزید و حکومت بنی امیه از واقعیتها به عنوان نقاط ضعف در جبهه حق بهره برداری کنند و آنها را به سازش و ذلت بکشانند. از آنجا که در اسلام بعضی از احکام ثابت و برخی متغیر و محکوم به زمان و مکانند، شاید بتوان آرمانها را نیز در این چارچوب دسته بندی کرد. به این معنا که برخی از آرمانها ثابت و همیشگی هستند و در هر شرایطی از زمان و مکان قابل اجرا و گسترش هستند. اما برخی از آنها متغیر و تابع شرایط

زمان و مکان هستند و ترویج و گسترش یا توقیف و عدم اشاعه آنها تابع تشخیص و نظر امام معصوم (ع) و فقیه جامع الشرایط است. در یک نظام دینی ممکن است واقعیت و آرمان قابل جمع با یکدیگر باشند و در مواردی هم ممکن است قابل جمع نباشند. و در هر دو صورت میزان، تشخیص امام معصوم (ع) یا فقیه جامع الشرایط است و چنانچه آرمان و واقعیت قابل جمع نباشند، اولویت و انتخاب یکی از آنها براساس مصلحتی است که امام معصوم (ع) یا فقیه جامع الشرایط تشخیص می دهد. مثلاً در مبارزه حضرت ابی عبدالله (ع) با یزید و یا در مبارزه حضرت امام خمینی (ره) با رژیم شاه، «آرمان خواهی» بر «واقعگرایی» برتری یافت. امام در صلح امام حسن (ع) با معاویه و یا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط حضرت امام خمینی (س) مصلحت اولی برای دین و انقلاب، پذیرش «واقعیت صلح» بود، نکته مهم این است که در چنین شرایطی یکی از ابعاد آرمان گستری به طور موقت محدود می شود و این به معنای عمل برخلاف آرمانها و ارزشها نیست. حضرت امام خمینی (ره) به عنوان پرچمدار عاشورا در عصر حاضر با اقداماتی نظیر تأیید تسخیر لانه جاسوسی و اتخاذ سیاست نه شرقی و نه غربی، محکومیت اشغال فلسطین، صدور حکم ارتداد سلمان رشدی و... از روش حضرت سیدالشهدا (ع) که همان ترجیح آرمانها بر واقعتهای نوع اول و تبعاتی که این اقدامات داشت پیروی کردند و همچنین با توجه و تأکید بر واقعتهای نوع دوم مانند جاسوسی آمریکاییها در ایران، توهین به مقدسات اسلام توسط سلمان رشدی، ذلت ناشی از تکیه بر ابرقدرتها و

اشغال و غضب کشور اسلامی فلسطین و... که از واقعیت‌های مشهود بودند، و از طرفی تأکید و تکیه بر احیای آرمانها و ارزشهای اسلامی و انقلابی، پیروی از روش حضرت امام حسین علیه السلام کردند.

پاورقی

- [۱] صحیفه ی نور - ج ۴ ص ۱۵.
- [۲] همان - ج ۱۷ - ص ۶۱.
- [۳] همان - ج ۱ - ص ۱۷۴.
- [۴] همان - ج ۱۷ - ص ۵۹.
- [۵] همان - ج ۱۷ - ص ۶۱.
- [۶] همان - ج ۱۷ - ص ۶۲.
- [۷] همان - ج ۴ - ص ۴۲.
- [۸] همان - ج ۳ - ص ۱۸۲.
- [۹] همان - ج ۴ - ص ۱۵.]
- [۱۰] همان - ج ۲ - ص ۲۰۸.
- [۱۱] همان - ج ۴ - ص ۱۹.
- [۱۲] همان - ج ۱۷ - ص ۵۸.
- [۱۳] همان - ج ۱ - ص ۳۸.
- [۱۴] همان - ج ۱۷ - ص ۶۰.
- [۱۵] همان - ج ۹ - ص ۲۲.
- [۱۶] صحیفه نور - ج ۷ - ص ۳۷.
- [۱۷] همان ج ۱۰ - ص ۲۴۲.

[۱۸] همان - ج ۷ - ص ۲۵۱.

[۱۹] همان - ج ۲۰ - ص ۱۸۹.

[۲۰] همان - ج ۲۰ - ص ۱۹۰.

[۲۱] همان - ج ۱۷ - ص ۵۸.

[۲۲] همان - ج ۲ - ص ۲۰۸.

[۲۳] همان - ج ۷ - ص ۲۳۰.

[۲۴] همان - ج ۷ - ص ۳۷.

[۲۵] همان - ج ۷ - ص ۲۳۶.

[۲۶] همان - ج ۷ - ص ۲۳۶.

[۲۷] ولایت فقیه - ص ۱۱.

[۲۸] صحیفه نور - ج ۷ - ص ۳۷.

[۲۹] همان - ج ۳ - ص ۸.

[۳۰] همان - ج ۴ - ص ۴۲.

[۳۱] همان - ج ۱۷ - ص ۵۸.

[۳۲] همان - ج ۴ -

[۳۳] همان - ج ۱۵ - ص ۱۴۸.

[۳۴] همان - ج ۲ - ص ۲۰۸.

[۳۵] همان - ج ۷ - ص ۳۷.

[۳۶] همان - ج ۱۳ - ص ۱۵۸.

[۳۷] همان - ج ۱۰ - ص ۲۴۲.

[۳۸] همان - ج ۷ - ص ۲۳۶.

[۳۹] همان - ج ۷ - ص ۲۳۰.

[۴۰] همان - ج ۸ - ص ۷۱.

[۴۱] همان - ج ۷ - ص ۱۰۹.

[۴۲] همان - ج ۱۴ - ص ۲۶۳.

[۴۳] همان - ج ۷ - ص ۲۳۰.

[۴۴] همان - ج ۸ - ص ۱۲.

[۴۵] همان - ج ۲ - ص ۲۰۸.

[۴۶] همان - ج ۱۵ - ص ۱۴۸.

[۴۷] همان - ج ۲ - ص ۱۱.

[۴۸] همان - ج ۱۰ - ص ۳۰.

[۴۹] همان - ج ۷ - ص ۳۷.

[۵۰] همان - ج ۸ - ص ۱۲.

[۵۱] همان - ج ۸ - ص ۷۰.

[۵۲] همان - ج ۷ - ص ۳۷.

[۵۳] همان - ج ۴ - ص ۲۷.

[۵۴] همان - ج ۳ - ص ۲۲۵.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

